

نماز، عروج مؤمن است و عروج، مستلزم قرب و لقاء است... مؤمن بعد از لقای او، نه تنها به سراغ حبشیّه [زن زشت، کنایه از غیر خدا] نخواهد رفت، که خیال او را هم نخواهد کرد. [نکته های ناب: 82] اگر بدانیم اصلاح امور انسان به اصلاح عبادت، و در رأس آنها نماز است، که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم به اعراض از لغو محقق می شود، کار تمام است! [برگی از دفتر آفتاب: 139]

1. نماز، بالاترین وقت ملاقات و استحضار و حضور در محضر خدا است... نماز برای خضوع و خشوع جعل شده است با همه مراتب خضوع و خشوع. [در محضر بهجت: 1/222]

2. نماز، جامی است از آلد لذایذ [لذت بخش ترین لذتها] که چنین خمیری خوشگوار در عالم وجود نیست! [در محضر بهجت: 1/222]

3. نماز، اعظم مظاهر عبودیت است که در آن، توجه به حق می شود. [در محضر بهجت: 2/377]

4. تمام لذتها روحی است؛ و آن چه از لذات که در طیب [عطر] و یا از راه نساء به صورت حلال تکویناً مطلوب است، بیش از آن و به مراتب بالاتر، در نماز است. [در محضر بهجت: 2/392]

5. قُرب، مراتبی دارد و بالاترین آنها لقاء است. و هر مرتبه از مراتب قُرب را مقرب است که بالاترین آنها نماز است. [نکته های ناب: 78]

6. ذکر خدا در حال نماز، بهترین ذکر است؛ چون نماز به منزله کعبه است؛ و نماز گزار در کعبه و حرم امن الهی داخل شده و بنا گذاشته است که از باب تکبیر، داخل و از باب تسلیم، خارج شود. [نکته های ناب: 84]

7. ما عظمتی نداریم، همین اندازه عظمت داریم که می ایستیم؛ بعد همین را در رکوع، نصفه می کنیم؛ و بعد به سجده و خاک بر می گردیم. [نکته های ناب: 83]

اگر بدانیم اصلاح امور انسان به اصلاح عبادت، و در رأس آنها نماز است، که به واسطه خضوع و خشوع و آن هم به اعراض از لغو محقق می شود، کار تمام است!

8. شاید حکمت تکرار نماز - علاوه بر تثبیت - سیر باشد؛ به این نحو که هر نمازی از نماز قبلی بهتر، و نماز قبلی زمینه ساز نماز بعدی باشد. [نکته های ناب: 81]

9. قیام بنده در نماز، اظهار عبودیت و سکون است، و این که هیچ حرکتی از خود ندارد؛ و سجود غایت خضوع است. [نکته های ناب: 83]

10. سؤال: اجمالاً بفرمایید حضور قلب، چگونه حاصل می شود؟

جواب: بسمه تعالی، اگر مقصود، حضور قلب است، با نوافل و عبادات مستحبه تحصیل می شود و از آن جمله، تبدیل فرادا به جماعت است. تحصیل حضور قلب به این می شود که در اوقات غفلت به خود فشار نیاورد؛ و در اوقات حضور، اختیاراً آن را از دست ندهد. [به سوی محبوب: 62]

11. سؤال: برای حضور قلب در نماز و تمرکز فکر، دستورالعملی بفرمایید؟

جواب: بسمه تعالی، در آنی که متوجه شدید، اختیاراً منصرف نشوید! [به سوی محبوب: 63]

12. اصلاح نماز، مستلزم اصلاح ظاهر و باطن و دوری از منکرات ظاهریه و باطنیه است. و از راههای اصلاح نماز، توسل جدی در حال شروع به نماز به حضرت ولی عصر (عج) است [به سوی محبوب: 64]

13. گوی سبقت را نماز شب خوانها ربودند مخفیانه! [به سوی محبوب: 68]

14. سؤال: برای توفیق نماز شب چه کنیم؟

جواب: با قرائت آیه آخر کهف و اهتمام به این امر اگر علاج نشد، تقدیم بر نصف می شود [قبل از نیمه شب به جا آورده می شود]. [به سوی محبوب: 77]

15. سؤال: در نماز شب و سحرخیزی، قدری کسل هستم، لطفاً راهنمایی فرمایید؟

جواب: بسمه تعالی، کسالت در نماز شب به این رفع می شود که بنا بگذارید هر شبی که موفق (به خواندن آن نشدید)، قضای آن را به جا آورید. [به سوی محبوب: 77]

16. از آیة شریفه (ان الصلاة تنهی عن الفحشاء و المنکر [عنکبوت: 45] نماز، انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می دارد). استفاده می شود که (لا صلاة لمن لا یتتأهی عن الفحشاء و المنکر: کسی که از کارهای زشت و ناپسند خودداری نمی کند، واقعاً نمازش نماز نیست!) [در محضر بهجت: 2/83]

17. این احساس لذت در نماز، یک سری مقدمات خارج از نماز دارد، و یک سری مقدمات در خود نماز. آن چه پیش از نماز و در خارج از نماز باید مورد ملاحظه باشد و عمل شود این است که: انسان گناه نکند و قلب را سیاه و دل را تیره نکند. و معصیت، روح را مکدر می کند و نورانیت دل را می برد. و در هنگام خود نماز نیز انسان باید زنجیر و سیمی دور خود بکشد تا غیر خدا داخل نشود یعنی فکرش را از غیر خدا منصرف کند. [برگی از دفتر آفتاب: 133]

18. یکی از عوامل حضور قلب این است که: در تمام بیست و چهار ساعت، باید حواس (باصره، سامعه و...) خود را کنترل کنیم؛ زیرا برای تحصیل حضور قلب، باید مقدماتی را فراهم کرد! باید در طول روز، گوش، چشم و هم چنین سایر اعضا و

19. چه قدر تناسب دارد تکبیر برای ورود به نماز، و تسلیم برای خروج از آن! ... در تکبیر، اکبر مناسب است... یعنی تمام امور دنیا و هم؟ بزرگها را کنار بگذارید، چون خداوند متعال اکبر است... نماز گزار، با تکبیر، در حرم الهی وارد می شود؛ ولی ما چه می دانیم که اینها یعنی چه! در روایت است که: (لَوْ عَلِمَ الْمُصَلِّي مَا يَغْشَاهُ مِنْ جَلَالِ اللَّهِ، لَمَّا انْفَتَلَ عَنْ صَلَاتِهِ: اگر نماز گزار می دانست که از جلال الهی چه چیزهایی او را فرا گرفته است، هرگز از نماز روی بر نمی گرداند!) [نکته های ناب: 84]

20. همین نماز را که ما با تهدید به چوب و تازیانه و عقوبت جهنمی شدن در صورت ترک آن، انجام می دهیم، آقایان [اولیاء] می فرمایند: از همه چیز، لذیذتر است! [در محضر بهجت: 1/122]

21. همین امور ساده و آشکار مثل نماز، بعضی را بر سماوات می رساند، و برای عده ای هیچ خبری نیست! برای بعضی اعلیٰ علین است، و برای بعضی هیچ معلوم نیست که آیا این معجون، شور است و یا شیرین! [در محضر بهجت: 1/283]

22. سؤال: می خواهم در نماز، تمام اذکار را درک کنم و بفهمم، و آن نور را درک کنم و ببینم تا با آن نور حرکت کنم.

جواب: بسمه تعالی، با شرایط حضور قلب، اعمالتان را انجام بدهید؛ در پاداش چه خواهند کرد، به ما مربوط نیست! [به سوی محبوب: 62]

23. سجده، غایت خضوع است؛ یعنی ما هیچ و در پیش تو خاک هستیم. [فیضی از وراى سکوت: 77]

23. سؤال: برای این که در انجام فرمان الهی مخصوصاً نماز، با خشوع باشیم، چه کنیم؟

جواب: در اول نماز، توسل حقیقی به امام زمان (عج) کردن که عمل را با تمامیت مطلقه [به طور کامل] انجام بدهید. [به سوی محبوب: 63]

24. سؤال: مستدعی است جمل؟ کوتاه و رسایی درباره نماز، مرقوم فرمایید که نصب العین ما قرار گیرد.

جواب: بسمه تعالی، از بیانات عالی در فضیلت نماز در مرتبه علما، کلام معروف از معصوم (علیهم السلام) است: (الصلوةُ مِعْرَاجُ الْمُؤْمِنِ: نماز، معراج مؤمن است.) برای کسانی که یقین به صدق این بیان نمایند و ادامه دهند طلب این مقام عالی را... [به سوی محبوب: 64]

25. اگر کسی با وجود این همه مشوقات از قرآن و اخبار برای سیر و کمال، از آنها بهره مند نشود، در عقل او خلل است... نماز خواندن برای اهلش مانند حلوا خوردن است؛ لذا از نماز خواندن، خسته نمی شوند. [نکته های ناب: 82]

26. در کلمات امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز آمده است: (وَاعْلَمَ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ مِنْ عَمَلِكَ تَبَعٌ لِصَلَاتِكَ: بدان که

مشاهده کرده ایم که علمای بزرگ در حال نماز، عجیب و غریب بودند، به گونه ای که گویا آن انسان خارج از نماز نیستند!  
[در محضر بهجت: 1/92]

27. از حدیث (تَنَعَمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَمَا نَكُمُ تَتَنَعَمُونَ بِهَا فِي الْآخِرَةِ: در دنیا به عبادت من متنعم شوید، زیرا در آخرت، به همان متنعم خواهید بود.) بر می آید که عبادات، قابلیت تنعم را دارد؛ ولی ما عبادات را به گونه ای به جا می آوریم که گویا شلاق بالای سر ما است... گویا داروی تلخی را از روی ناچاری می خوریم. [در محضر بهجت: 1/350]

28. سؤال: گاهی اوقات در عبادات، ریا می کنم و بعداً سخت رنج می برم؛ علاج آن چیست؟

جواب: بسمه تعالی، علاج، این است که ریا بکند؛ ولی اگر در مقابل شاه و گدا است، ریا برای شاه بکند؛ (فَأَفْهَمَ أَنْ كُنْتَ مِنْ أَهْلِهِ: این نکته را دریاب، اگر اهلش هستی!) [به سوی محبوب: 70]

نماز، جامی است از اکذ لذایذ [لذت بخش ترین لذتها] که چنین خمی خوشگوار در عالم وجود نیست!

29. معیار اصلی، نماز است. این نماز، بالاترین ذکر است، شیرین ترین ذکر است، برترین چیز است... همه چیز تابع نماز است؛ باید سعی کنیم این نماز را حسابی درستش کنیم... وقتی نماز درست شد، با حال گشت، انسان آدم شده است. بالاخره محک، نماز است! [در خلوت عارفان: 103]

30. وقتی بنده از پیشگاه مقدس حضرت حق باز می گردد، اولین چیزی را که سوغات می آورد، سلام از ناحیه او است. در دعای مسجد کوفه آمده است: (اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمَنْ نِكَ السَّلَامُ، وَالْيَكُ يَرْجِعُ، وَيَعُودُ السَّلَامُ، حِينَ نَارِنَا مَنْ نِكَ السَّلَامُ: خداوندا، تو خود سلامی و سلام از ناحیه تو است و به سوی تو باز می گردد. پروردگارا، ما را به سلام از ناحیه خود تحیت گویا!) [نکته های ناب: 83]

31. در جایی دارد که: خدا منت گذاشته که امر فرموده است مخلوق، با خالق خود خلوت کند و این منافاتی ندارد که در مرآی مردم باشد. کانه وقتی بنده با خدا خلوت می کند، خالق هم با او خلوت کرده است! [نکته های ناب: 88]

32. بلی می شود انسان در نماز دست به دعا بردارد و بگوید: (اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي زَوْجَةً صَالِحَةً: خداوندا، زن شایسته ای را روزی من کن!) یا بگوید: (اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَكِدًّا بَارًا: خداوندا، فرزند نیکوکاری را روزی من کن!) [فریادگر توحید: 213]

منبعننننن